

روایت کارآفرینی که با روح و روان بازی می‌کند

عروسکی برای دخترم

این زنان کارآفرین از قبضه بازار به وسیله عروسک‌های خارجی گلایه دارند

● ریحانه بنازاده! اینکه از یک جایی به دنبال علاقه‌ات بروی آن هم با تلاش و پشتکار خیلی مهم است. به قول خودمان ماهی را هر وقت از آب بگیری تازه است. ریحانه بزازیان و زهرا خلیل زاده دو بانوی هنرمندی هستند که در رشته عروسک‌سازی تصمیم به کارآفرینی گرفته‌اند و حالا چندین نفر از بانوان سرپرست خانوار را تحت پوشش فعالیت‌های هنری خود قرار داده‌اند. آن‌ها به دنبال این هستند عروسکی تولید کنند برای دختران ایرانی. به عبارتی عروسکی برای دخترم.

اعداد را دوست نداشتم

دور تا دور قفسه‌هایی است که داخل آن پارچه‌های رنگی، عروسک‌های کوچک و بزرگ گذاشته شده و چرخ خیاطی سفید لابه‌لای عروسک‌ها گم شده است. بزازیان حرف را این طور شروع می‌کند: متأهل و مادر هستم. کارشناسی گرافیک دارم و مدرس آموزشگاه‌های مختلف و فرهنگ‌سراهای شهر در رشته عروسک‌سازی هستم. از همان اول هنر با روحم سروکار داشت، مداد‌های رنگی همیشه رفیقم بودند. بعد از دانشگاه با همسرم وارد کار بیمه شدم. اما اعداد و ارقام را دوست نداشتم. تا اینکه دوره‌های آموزش عروسک‌سازی مجازی در تهران را به صورت آنلاین گذراندم. شب‌ها که بچه‌هایم می‌خوابیدند تا صبح کار می‌کردم. به نظرم رسید همه چیز از بچه‌ها شروع می‌شود. وقتی دست دخترم عروسک‌های باری را با شوق و ذوق می‌دیدم با خودم گفتم درست است که این عروسک‌ها زیبا هستند، ولی چرا عروسک‌های ایرانی خودمان دست فرزندانمان نباشد.

اجاره‌نشینی، مصیبت کارآفرینی

اومدت زیادی را صرف تدریس عروسک‌سازی کرد تا اینکه اشتیاق شاگردانش به اشتغال زایی را دید و تصمیم گرفت به صورت جدی کار خود را در زمینه طراحی و تولید عروسک آغاز کند. می‌گوید: از سال ۱۴۰۱ فعالیت خود را به طور جدی شروع کردم و از هنرجویان علاقه‌مند نیز دعوت کردم تا با ما همکاری کنند. نوروز همان سال، در یکی از غرفه‌های صنایع دستی شرکت کردم که با استقبال زیادی روبه‌رو شد. در همان سال برخی مسئولان نیز حضور پیدا کردند. پس از بازدید از غرفه عروسک‌ها، قول همکاری و تأمین مکان رایگان به مدت شش ماه را به ما دادند. چنین حمایتی، حتی اگر فقط برای شش ماه باشد، برای هنرمندانی که نیازمند حمایت هستند، خوش حال‌کننده است. اما این امید کوتاه مدت تنها تا پایان تعطیلات دوام داشت. بزازیان با ناراحتی از آن یاد می‌کند و می‌گوید: متأسفانه پس از تعطیلات نوروز، به ما اعلام کردند که باید غرفه را تخلیه کنیم یا ماهیانه مبلغ ۵ میلیون تومان پرداخت کنیم!

در ادامه صحبتش می‌گوید: مشکل اصلی ما اجاره کردن یک

مکان کوچک با قیمت مناسب بود. مدتی کارگاهی کوچک در ویرانی و بعد در شاندیز اجاره کردیم که متأسفانه آنجا هم اجاره‌اش را بالا بردند و مجبور شدیم از آنجا هم نقل مکان کنیم. در شرایطی که مقرر است تولید ملی داشته باشیم و کالا با قیمت مناسب به دست مصرف‌کننده برسانیم، بدون حمایت‌چطور این کار انجام شود؟ این را بزازیان می‌گوید و ادامه می‌دهد: ما مجوز میراث و اداره کار را داریم، اما متأسفانه هیچ کمکی به ما نشده است. حتی نمایشگاهی که قرار است با عنوان صنایع دستی برگزار شود هر غرفه را متری یک میلیون و ۳۰۰ هزار تومان قیمت دادند. در واقع یک غرفه ۹ متری برای ما ۱۲ میلیون می‌شود که از عهده ما بر نمی‌آید.

جایی برای زنان سرپرست

«مهرسانا» نام برندی است که برای عروسک‌هایشان انتخاب کرده‌اند. بانوان زیادی با آن‌ها همکاری می‌کنند که بیشتر آن‌ها سرپرست خانوار هستند. بزازیان درباره این همکاری‌ها این طور صحبت می‌کند: حدود ۳۵ نفر از بانوان مناطق مختلف شهر با ما همکاری می‌کنند که اغلب آن‌ها سرپرست خانوار هستند و

